

نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

مریم ستایش فر

مدرس، دبیر آموزش و پرورش

چکیده

هدف کلی از انجام این تحقیق، بررسی آسیب‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان نوجوان و نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. پژوهش حاضر با بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون، پژوهش‌های پیشگیری از اعتیاد و همچنین اسناد و تحقیقات انجام شده در حوزه آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. از کلیه منابع چاپی، اسنادی و الکترونیکی در دسترس برای جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شده است. آموزش و پرورش مانند خانواده بعنوان مهمترین عامل در دوران رشد تاثیر بسزایی در بیماریهای روحی و روانی مثل اضطراب و افسردگی در دوران ابتدایی و گرایش به اعتیاد نوجوانان را داشته است. شرط سلامتی خانواده وجود روابط سالم و کارکرد صحیح این نهاد است، اما در قرن اخیر بروز مشکلات فردی، اجتماعی و دیگر آسیبها و انحرافات از جمله اعتیاد ناشی از اختلال در کارکرد خانواده میدانند و بنابراین برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به نوجوانان، آموزش و پرورش می‌تواند نقش بسیار موثری داشته باشد. تحقیق حاضر نیز سعی در پررنگ کردن نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته است بنابراین این تحقیق توانسته است که با نشان دادن تاثیر دست اندرکاران تعلیم و تربیت به طور اعم و اجتماع به طور اخص در حوزه تربیت و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان، به خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور جهت استفاده از این یافته ها، اطمینان خاطر بخشد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، نوجوانان، آموزش و پرورش

۱- مقدمه

آموزش و پرورش گسترده‌ترین دستگاه فرهنگی کشور است که به طور مستقیم جمعیتی بزرگ را تحت پوشش قرار داده است. ضمن آنکه این مجموعه ابزارهای لازم برای تنظیم و یا کنترل آسیب‌های اجتماعی را دارد و می‌تواند از ساعاتی که دانش‌آموزان در مدرسه حضور دارند استفاده کرده و برای مقابله با آسیب‌ها برنامه‌ریزی کند. آسیب‌های اجتماعی که از آن در متون مختلف تعریف‌های مختلفی به عمل آمده یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه امروزی مابه حساب می‌آید. نظر به وسیع بودن ابعاد آسیب‌های اجتماعی و گسترش روزافزون آن و با توجه به این که آسیب‌های اجتماعی مستقیماً در عملکرد فرد و جامعه اثر می‌گذارد و صرف نظر از ضرر و زیان‌های اقتصادی، بهداشت جسمی و روانی، فرد و جامعه را نیز به مخاطره می‌افکند، همواره یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور تعیین حدود و ثغور آسیب‌های اجتماعی نوجوانان بوده است. مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع جوامع انسانی از موضوعات مهمی است که همواره ذهن روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول ساخته است. بر این اساس، روند تحولات اجتماعی، قدرت‌سازگاری و انطباق افراد و گروه‌های اجتماعی را کاهش داده است و در این میان برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین قرار دارند. یکی از این گروه‌های آسیب‌پذیر، کودکان و نوجوانان هستند. نوجوانان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، همچون فقدان توانایی‌ها و مهارت‌های زندگی و اجتماعی لازم برای مواجهه صحیح و پویا با محیط اجتماعی و وابستگی‌شان به بزرگسالان و والدین در رفع نیازها و طی کردن مراحل رشد و تکامل خود، بیشتر از سایر گروه‌ها در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند. در کشور ما ایران به دلیل مسائل و پدیده‌های مختلف، من جمله سیر تحول بسیار پرشتاب، عدم وجود برنامه‌ریزی مناسب برای کنترل آسیب‌های اجتماعی، فضای‌های مجازی، وینیزده‌ها علل متعدد دیگر، در سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون آسیب‌های اجتماعی هستیم. در همین راستا برای برنامه‌ریزی علمی و مبتنی بر واقعیات جامعه لازم است با توجه به امکانات دولت و ظرفیت جامعه، آسیب‌های اجتماعی را الویت بندی نموده و به تدریج به برنامه‌ریزی برای کنترل آن‌ها پرداخت، تا جامعه بتواند در آرامش زندگی کرده و رشد و توسعه داشته باشد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، روش تحقیق کیفی-توصیفی است. رویکرد تحقیق کیفی مورد مطالعه را به همان صورتی که هست‌ونه در شکل قالبی و تعریف شده، به صورت یک کل و در ارتباط با زمینه‌ای که در آن قرار گرفته است مورد مطالعه قرار می‌دهد (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۹۱). روش تحقیق در این مقاله کیفی-توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است که پژوهشگر سعی نموده است تا با مطالعه اسناد و سوابق پژوهشی پیشین و باروش اسنادی و فراتحلیل به بررسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان نوجوان بپردازد. در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی)، حوزه پژوهش شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده پیرامون مباحث آسیب‌های اجتماعی بوده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و جهت نمونه‌گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتال در دسترس از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده در زمینه رفتارهای پرخطر نوجوانان و جوانان و آسیب‌های اجتماعی مواد انجام شده است. نتایج تحقیقی با عنوان انحرافات اجتماعی در آیین پژوهش‌ها، توسط گلچین (۱۳۹۳) با هدف یافتن علل رفتار انحرافی، پرخطر نوجوانان و جوانان و آسیب‌های اجتماعی انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که گروهی و بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر یاد رابطه با عواملی همچون جنس، سن، پایگاه اجتماع خانواده، درجه مذهبی بودن والدین، میزان تماس افراد با دوستان کجرو، عضویت در گروه‌های بزهکاری، وضعیت تحصیلی، میزان تعلق به مدرسه، میزان شرکت والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان است. علاوه بر آن، متغیرهایی که بیشترین تکرار و تأیید را در ارتباط با ایجاد زمینه سازی و تقویت رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان داشته‌اند به ترتیب عبارتند از: پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه‌ها، نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوانان و میزان گسیختگی و نابسامانی خانواده است، دورنابوش^۱ و همکارانش در تحقیقی که تحت عنوان «روابط خانواده و مدرسه و پیوستگی آن با رفتارهای انحرافی جوانان در اجتماعات و گروه‌های مختلف، انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده و مدرسه در کاهش آسیب‌های اجتماعی و انحراف نوجوانان و جوانان از قبیل سیگار کشیدن، استفاده از الکل، استفاده از ماری‌جوانا، بزهکاری و دیگر رفتارهای انحرافی نقش موثری دارند (دورنابوش، ۲۰۰۱).

تیگارت^۲ در مطالعات تجربی خود روی دانش آموزان به این نتیجه رسید که در مدارس که کنترل، نظارت و انضباط ضعیف است الگوهای بزهکارانه از دانش آموزان سنین بالا به دانش آموزان سنین پایین منتقل می شود. به علاوه، احساس فشاری که در جوانان طبقات پایین جامعه در فرایندهای آموزشی و مدرسه ای ایجاد می شود، گرایش به بزهکاری را در آنان افزایش می دهد. از طرف دیگر، بر اساس یافته های این تحقیق بزهکاری دانش آموزان می تواند حاصل سرپیچی از غیردموکراتیک بودن مدرسه و انضباط و نظارت های رسمی شدید مدرسه باشد (تیگارت، ۲۰۱۵).

آنچه از نظریه ها و تحقیقات استنباط می شود این است که آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در نوجوانان و جوانان دلایل متعددی دارد به گونه ای که دلایل اجتماعی، اقتصادی و آموزشی در افزایش و کاهش رفتارهای پرخطر و انحرافی موثر هستند.

بیان داده ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها

هر جامعه ای متناسب با شرایط خود، با آسیب های اجتماعی روبرو است که عوامل فرهنگی و رشد و توسعه یافتگی در جوامع بر روی این آسیب ها نقش بسزایی دارند، شناخت عوامل و آسیب های اجتماعی می تواند به ارائه راه حل های منطقی کمک کند و مانع از بین رفتن نیروهای کارآمد و انرژی مثبت در بین نوجوانان کشور می شود و جامعه را در مسیر ترقی هدایت کند، انحراف و بزهکاری، نوعی عارضه و بیماری است که از آن تحت عنوان آسیب اجتماعی یاد می شود زیرا وقتی آثار و عوارض آسیب ها در جامعه رخ می نماید، مختص یک فرد نبوده و عوارض آن حتی به یک جامعه نیز محدود نمی شود، بلکه بر اساس فرهنگ های مختلف و استحکام ریشه های فرهنگی، این عوارض متفاوت بوده و به سرعت با الگو سازی که از آن ها می شود، به صورت یک عارضه همه فراگیر در خواهد آمد. آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی، محیط زیست و اجتماع بشری را دستخوش پیامد هایی کرده است که امکان زندگی سالم و کم دغدغه را به خصوص در یک جامعه دیندار از بین خواهد برد (گل پور، ۱۳۹۰).

شمس ناتری (۲۰۱۰) در پژوهش خود بیان نموده است که تردیدی نیست که کاستن از آسیب های اجتماعی در هر جامعه، در گرو شناخت عوامل مؤثر در بروز آن ها است. بدون شناخت این عوامل نمیتوان برنامه مناسبی برای سالم سازی اجتماعی ترسیم و اجرا نمود. هرگز نمیتوان به رابطه علیت تامه بین یک عامل اجتماعی و آسیب دست یافت و شاید هیچ پدیده اجتماعی به تنهایی آسیب زا نباشد، بلکه اقتران چندین عامل و نیز ضعف سیستم کنترل درونی و بیرونی به انحراف یک شخص می انجامد. گرچه در حوزه تولید و توزیع محصولات فرهنگی، سیاست خارجی، رونق اقتصادی، افزایش در آمد ناخالص ملی، همدلی سران نظام که نقش بسیار مهمی در مقابله با آسیب های اجتماعی دارد؛ به دست آمده است، اما همان طور که قبلاً مورد تأکید واقع شد، هماهنگی و همسویی مسؤولان فرهنگی کشور می بایست در دایره تصمیم گیری های سایر نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد توجه و عنایت بیشتری قرار گیرد. بدیهی است آموزش نحوه استفاده از پدیده های نوین عصر جهانی شدن به مردم به ویژه نسل جوان جامعه و نیز تولید و توزیع به موقع و مطابق با مطالبات و نیازهای مخاطبان، از اصلی ترین پیش نیازهای مقابله با آنها و آسیب های اجتماعی جهانی شدن می باشند که نباید مورد غفلت و بی توجهی نهادها و تصمیم گیران ذی ربط قرار گیرد. (خاموشی، ۲۰۱۱)

از علل به وجود آورنده آسیب های اجتماعی می توان فقر فرهنگی، بحران هویت در نوجوانان، عدم آشنایی کافی دانش آموزان با مهارت های اجتماعی و پدیده های نوین عصر ارتباطات جهانی دانست، بی شک بستر امنیت جامعه از راه فرهنگ و اطلاع رسانی مناسب صورت می گیرد و اگر ساختار جامعه به شکل مطلوب آماده شود، آسیب های اجتماعی، ناهنجاری ها، جرایم و تخلفات به حداقل می رسند. آموزش فرهنگ صحیح، ارتقاء سطح آگاهی از مهارت ها اجتماعی و نیز آموزش صحیح استفاده از پدیده های نوین ارتباطی و انطباق پذیری اجتماعی فرد می تواند از آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر نوجوانان کم کند.

نتیجه گیری و اظهار نظر محقق

هر چند آموزش و رورش، فعالیت واحدی را شامل می شود که هدف آن ایجاد تغییرات مناسب و مطلوب در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان است لکن مدرسه تنها محل یادگیری، خواندن و نوشتن نیست، بلکه جایی است که دانش آموزان مهارت های زیادی نظیر مهارت های ارتباطی لازم برای ورود به جامعه فردا را می آموزند. دانش آموزان شاید در مدرسه درس خاصی برای یادگیری این گونه مهارت ها از آموزگاران، مربیان نگینند ولی می توانند از چگونگی رفتار آنها با خودشان و سایر دانش آموزان دریابند که در شرایط گوناگون چگونه باید رفتار کنند. بدیهی است که دانش آموزانی می توانند در این درس و آزمون موفق شوند که بتوانند در موقعیت های مختلف رفتاری صحیح و مناسب از خود نشان دهند. در مقابل اگر دانش آموزی نتواند نمره قابل قبولی از این درس بگیرد، قادر نخواهد بود رفتاری درست و مناسب با شرایط از خود نشان دهد. یکی از مهارت هایی

که دانش آموزان باید یاد بگیرند، رفتارهای حفاظتی است. آموزش رفتارهای حفاظتی در برگیرنده این پیام است که مراقب خود باش و خود را از آسیبها و خطرهای بالقوه در امان نگه دار.

با این توصیف مهم‌ترین کارکرد آموزش و پرورش و خانواده در رابطه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر، آموزش بسیاری از مهارت‌ها نظیر الگو شدن برای فرزند، نقش بازی کردن با فرزند، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای دوست‌یابی، تلاش برای همراه کردن علم و دانش با تقوی و پاکی در چهار چوب دین و مذهب، تعریف، ترویج و تقویت ارزشهای اسلامی در بین دانش آموزان با استفاده از زبان جوان‌پسند، هنر و فناوری‌های پیشرفت برای افزایش تأثیرگذاری از راهکارهای عمده مقابله با هر گونه آسیب اجتماعی قلمداد می‌شود. دین و مذهب عامل بازدارنده در گرایش افراد به اعمال خلاف هنجارهای جامعه است. نظر اسلام و قرآن در مورد گرایش به کارهای خلاف این است که همه انسان‌ها زیانکارند جز انسان‌هایی که به خدا ایمان آورده‌اند و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند. علت اصلی تمام رفتارهای خلاف هنجارهای جامعه را قرآن در عدم ایمان به خدا بیان می‌کند. دانش آموزانی که از دینداری بالاتری در بعد مناسکی برخوردار بودند رفتارهایشان با فرهنگی که در آن بزرگ شده‌اند بیشتر تناسب داشت. این عده از دانش آموزان گرایش کمتری به رفتارهای خلاف نسبت به گروه دیگر داشته‌اند. تقویت میزان دینداری دانش آموزان علل مخصوص بعد مناسکی دینداری می‌تواند در افزایش رفتارهای صحیح و مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی و دینی مفید باشد. برای دستیابی به این امر می‌توان برنامه‌های آموزشی و پرورشی رسمی و غیر رسمی مختلف از طریق سازمان آموزش و پرورش، صدا و سیما، نهادهای مذهبی جهت ترویج و تقویت ارزش‌های اسلامی در جامعه و مدارس با استفاده از زبان جوان‌پسند، هنر و فناوری پیشرفته برای دانش آموزان اجرا نمود.

پیشنهادات در باب راه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس:

- تدوین راه‌های ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان
- توجه به مهارت‌های اجتماعی در برنامه ریزی درسی
- نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان
- آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست‌یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی
- اجازت‌ی ابراز وجود به دانش آموزان از طریق دادن مسئولیت و استفاده از دیدگاه‌های آنان در مدرسه
- تقویت عزت نفس و احترام دانش آموزان توسط معلم (البته قبل از آن تقویت احترام سایرین و دانش آموزان به معلم باید انجام شود)
- تقویت ارزش‌های دینی در خانواده
- آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده‌ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیرمهم.

منابع مورد استفاده در متن

- حسینی، سید حسن (۱۳۹۴) کودکان کار و خیابان. تهران: نشر سلمان.
- خاموشی، سید مهدی (۲۰۱۰) واکاوی آسیب‌های اجتماعی و راه‌های آن. مجله مهندسی و فرهنگی. شهریور و مهر ۲۰۱۰ شماره ۱۴ و ۱۵
- شمس ناتری، محمد ابراهیم. باستانی، امیر، ۲۰۱۱ تأثیر فقر بر آسیب‌های اجتماعی. مجله: مهندسی و فرهنگی خرداد و تیر، ۲۰۱۱ شماره ۱۱ و ۱۹
- گل‌پور، محسن (۱۳۹۰). بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر فرار دختران. تهران: نشر پاچار.
- ظهیری نیا، (۱۳۸۹)، بررسی آسیب‌های اجتماعی، تهران، آن.
- غلامی، ایرج (۲۰۱۱) بحران هویت در نوجوانان و راه‌های پیشگیری از آن، مجله: پیوند، فروردین و اردیبهشت ۲۰۱۱ شماره ۷۵ و ۷۷

- Dornbusch Sanford M., Kristan Glasgow Erickson, Jennifer Laird and Carol A. Wong (2001): The Relation of Family and School Attachment to Adolescent Deviance in
- Tygart, C.E (2015): "Do public School Increase Juvenile Delinquency?" Journal of Urban Education, 26:359-370.